

دقتر ششم

با مقدمه و تصحيح
دکتر کاظم محمودی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۷۲-۶۰۴ ق.

Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰۷-۱۲۷۲

عنوان آراء داد : مثنوی

عنوان و نام پدیدآور : مثنوی معنوی / با مقدمه و تصحیح کاظم محمدی

مشخصات نشر : کرج : نشر کبری، ۱۳۹۷ -

مشخصات ظاهری : ج

شابک : شابک دوره ۹-۶-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸؛

ج ۱: ۹۶۴-۲۹۰۵-۹۷۸

ج ۲: ۷-۱۵-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ج ۳: ۹-۱۱-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ج ۴: ۶-۱۲-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ج ۵: ۳-۱۳-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

ج ۶: ۰-۱۴-۲۹۰۵-۹۶۴-۹۷۸

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۷ ق.

موضوع : Persian Poetry -- ۱۳th century

شناسه افزوده : محمدی، کاظم، ۱۳۴۰-، مصحح

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۷ ا ث ۵۲۹۸ PIR

رده‌بندی دیویی : ۸۱۳/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۱۷۲۵۳

نام کتاب : مثنوی مسوی، دفتر ششم
نویسنده : مولانا جلال الدین محمد بلخی
مقدمه و تصحیح : دکتر کاظم محمدی
انتشارات : نجم کبری
لیتوگرافی : ناژو
چاپ و صحافی : ناژو
تیراژ : ۵۰۰

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۸

بهای دوره : ۱۴۰۰۰۰ تومان

شابک دوره : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۰۹-۶

شابک جلد ششم : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۱۴-۰

فهرست

- ۱۳ دیباچه دفتر ششم مثنوی
- ۱۴ آغاز دفتر ششم مثنوی
- ۱۸ سؤال سایل از مرنی که بر سر ربض شهری نشسته باشد ...
- ۲۰ نکوهیدن ناموسهای پوشیده را که مانع ذوق ایمان ...
- ۲۲ مناجات و پناه جستن به حق از گناه و اختیار و از ...
- ۲۳ حکایت غلام هندو که به خداوندزادی خود پنهان ...
- ۲۵ صبر فرمودن خواجه مادر دختر را که غلام را زجر ...
- ۲۶ در بیان آن که این غرور تنها آن هندو را نبود بلکه ...
- ۲۷ در عموم تأویل این آیت که کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ
- ۲۷ قصه‌ای هم در تقریر این
- ۲۸ و انمودن پادشاه به اُمرا و متعصبان در راه ایاز سبب ...
- ۲۹ مدافعه‌ی امرا آن حجت را به شبهه‌ی جبرانه و جواب ...
- ۳۰ حکایت آن صیادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود ...
- ۳۲ حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند ...

- ۳۲ مناظره‌ی مرغ با صیاد در تَرهُّب و در معنی ترهّبی ...
- ۳۵ حکایت آن پاسبان که خاموش کرد تا دزدان رخت ...
- ۳۵ حواله کردن مرغ گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر ...
- ۳۷ حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده‌ی معشوق ...
- ۳۸ استدعای امیر تُرک مخمور مطرب را به وقت صبح ...
- ۴۰ در آمدن ضریر در خانه‌ی مصطفی علیه السّلام ...
- ۴۱ امتنان کردن مصطفی علیه السّلام عایشه را ...
- ۴۱ حکایت آن مطرب که در بزم امیر تُرک این غزل ...
- ۴۲ تفسیر قوله «یه السلام» مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا
- ۴۴ تشبیه مُعَقَّلِ که در ضاحک کند و وقت مرگ ...
- ۴۵ نکته گفتن آن شاعر جهت اعز شیعہ‌ی حلب
- ۴۵ تمثیل مرد حریص نایب‌ننده رزاقی حل و او خزاین و ...
- ۴۷ داستان آن شخص که بر درِ سراین نیم‌شب سحوری ...
- ۴۹ قصه‌ی اَحَد اَحَد گفتن بلال در حَرّ حجاز و صحبت ...
- ۵۱ بازگردانیدن صدیق رضی الله عنه واقعی بلال را ..
- ۵۳ وصیت کردن مصطفی علیه السّلام صدیق را ...
- ۵۴ خندیدن جهود و پنداشتن که صدیق مغبون است در ...
- ۵۶ معاتبه‌ی مصطفی علیه السّلام با صدیق رضی الله عنه که ...
- ۵۷ قصه‌ی هلال که بنده‌ی مخلص بود خدای را ...
- ۵۸ حکایت در تقریر همین سخن
- ۵۸ مثل
- ۵۹ رنجور شدن هلال و بی‌خبری خواجه‌ی او از رنجوری ...

- ۶۰ در آمدن مصطفی (ع) از بهر عیادت هلال در ستور گاه...
- ۶۰ در بیان آن که مصطفی (ع) شنید که عیسی (ع) ...
- ۶۲ داستان آن عجوزه که روی زشت خویشان را جندره ...
- ۶۲ داستان آن درویش که آن گیلانی را دعا کرد که ...
- ۶۳ صفت آن عجوز
- ۶۳ قصه‌ی درویش که از آن خانه هر چه می‌خواست ...
- ۶۴ رجوع به داستان آن کمبیر
- ۶۵ حکایت آن مجور که طیب درو امید صحت ندید
- ۶۶ رجوع به قصه‌ی آن مجور
- ۶۸ قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو
- ۷۰ لیسَ لِلْمَاضِیْنَ هُمُ الْمَوْتِ اِنَّهُمْ حَسْرَةُ الْفَوْتِ
- ۷۲ بار دیگر رجوع کردن به قصه‌ی صوفی و قاضی
- ۷۵ طیره شدن قاضی از سیلی درویش و سرزنش کردن ...
- ۷۵ جواب دادن قاضی صوفی را
- ۷۶ سؤال کردن آن صوفی قاضی را
- ۷۶ جواب گفتن آن قاضی صوفی را
- ۷۸ باز سؤال کردن صوفی از آن قاضی
- ۷۸ جواب قاضی سؤال صوفی را و قصه‌ی تُرک و درزی ..
- ۷۸ قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِنَّ اللَّهَ تَعَالٰی يُلَقِّنُ الْحِكْمَةَ عَلٰی ...
- ۷۹ دعوی کردن تُرک و گرو بستن او که درزی از من ...
- ۸۰ مضاحک گفتن درزی و ترک را از قوت خنده بسته ...
- ۸۱ گفتن درزی تُرک را هی خاموش که اگر مضاحک ...

- ۸۱ بیان آن که بیکاران و افسانه‌جویان مثل آن ترک‌اند ...
- ۸۱ مثل
- ۸۲ باز مکرر کردن صوفی سؤال را
- ۸۲ جواب دادن قاضی صوفی را
- ۸۳ حکایت در تقریر آن که صبر در رنج کار سهل تر از ...
- ۸۳ مثل
- ۸۵ باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب بی‌واسطه‌ی کسب
- ۸۸ قصه‌ی آن گنج‌انداز که پهلوی قبه‌ای روی به قبله کن ...
- ۸۹ تمامی قصه‌ی آن میر و نشان جای آن گنج
- ۹۰ فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه
- ۹۰ نومید شدن آن پادشاه از باطن آن گنج و ملول شدن ...
- ۹۱ باز دادن شاه گنج نامه را به آن فقیر که بگیر ما از سر ...
- ۹۳ حکایت مرید شیخ حسن خرقانی نزد الله سرّه
- ۹۴ پرسیدن آن وارد از حرم شیخ که شیخ کجا است ...
- ۹۴ جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طالب را از ...
- ۹۶ واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و مکان ...
- ۹۶ یافتن مرید و مراد و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه
- ۹۷ حکمت در آئی جاعل فی الارض خلیفه
- ۹۹ معجزه‌ی هود علیه السلام در تخلّص مؤمنان امت ...
- ۱۰۱ رجوع کردن به قصه‌ی قبه و گنج
- ۱۰۲ انابت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار ...
- ۱۰۴ آواز دادن هاتف مر طالب گنج را و اعلام کردن از ...

- ۱۰۶ حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و جهود و آن ...
- ۱۰۹ حکایت اشتر و گاو و قچ که در راه بند گیاه یافتند ...
- ۱۰۹ مثل
- ۱۱۰ جواب گفتن مسلمان آنچه دید به یارانش جهود و ...
- ۱۱۱ مُنادی کردن سید ملک ترمذ که هر که در سه یا ...
- ۱۱۵ حکایت تعلق موش با چغز و بستن پای هردو به ...
- ۱۱۶ تدبیر کردن موش به چغز که من نمی توانم بر تو آمدن ...
- ۱۱۷ مبالغه کردن موش در لابه و زاری و وصلت جستن ...
- ۱۱۸ لابه کردن موش به چغز را که بهانه میندیش و در ...
- ۱۲۲ حکایت شب دندان که سلطان محمود شب در میان ...
- ۱۲۶ قصه‌ی آن که گاو بحر را که هر کاویان از قعر دریا ...
- ۱۲۷ رجوع کردن به قصه‌ی سب کردن آن موش آن ...
- ۱۲۸ قصه‌ی عبدالغوث و ربودن پیر او را و سالها میان ...
- ۱۳۰ داستان آن مرد که وظیفه داشت از تخت تبریز و ...
- ۱۳۰ آمدن جعفر رضی الله عنه به گرفتن قلعه و سبهای و ...
- ۱۳۳ رجوع کردن به حکایت آن شخص وام گرفت ...
- ۱۳۴ باخبر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و ...
- ۱۳۷ مثل دویین همچو آن غریب شهر کاش عمر نام ...
- ۱۳۹ توزیع کردن پای مرد در جمله‌ی شهر تبریز و جمع ...
- ۱۴۲ دیدن خوارزمشاه رحمه الله در سیران در موکب ...
- ۱۴۴ مؤاخذه یوسف صدیق صلوات الله علیه به حبس ...
- ۱۴۹ رجوع کردن به قصه‌ی آن پایمرد و آن غریب ...

- گفتن خواجه در خواب به آن پایمرد و جوه وام آن ... ۱۴۹
- حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش ... ۱۵۱
- بیان استمداد عارف از سرچشمه‌ی حیات ابدی و ... ۱۵۲
- روان شدن شه زادگان در ممالک پدر بعد از وداع ... ۱۵۳
- رفتن پسران سلطان به حکم آنکه الانسان حریص علی ... ۱۵۶
- دیدن ایشان در قصر این قلعه‌ی ذات الصّور نقش ... ۱۵۸
- حکایت صدر جهان بخارا که هر سایلی کز به زبان ... ۱۶۰
- حکایت آن دو پسر یکی کوسه و یکی امرد در ... ۱۶۱
- در تفسیر این حدیث که صطفا فرمود: منهومان لا یشبعان ... ۱۶۳
- بحث کردن آن سه زاده در تدبیر آن واقعه ۱۶۳
- مقاله برادر بزرگین ۱۶۴
- ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را با اکبر در مجلس ... ۱۶۴
- روان گشتن شاهزادگان بعد از تمام بحث و ماجرا به ... ۱۶۷
- حکایت امرء القیس کی پادشاه عرب بود و ... ۱۶۷
- بعد مکث ایشان مُتواری در بلاد چین در شهر سختگاه ... ۱۷۰
- بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه ... ۱۷۴
- حکایت آن شخص که خواب دید که آن چه ... ۱۷۶
- سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن ۱۷۶
- رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص که به او گنج ... ۱۷۷
- رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به ... ۱۷۸
- بیان این خبر که: الْكَذِبُ رِيْبُهُ وَالصُّدْقُ طُمَآنِيهِ ۱۷۹
- مثل ۱۸۱

- ۱۸۱ بازگشتن آن شخص شادمان و مُراد یافته و ...
- ۱۸۳ مکرّر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب نآوردن ...
- ۱۸۵ مفتون شدن قاضی بر زن جوّحی و در صندوق ...
- ۱۸۶ رفتن قاضی به خانه‌ی زن جوّحی و حلّقه زدن جوّحی ...
- ۱۸۸ آمدن نایب قاضی میان بازار و خریداری کردن صندوق ...
- ۱۸۹ در تفسیر این خبر که مصطفیٰ فرمود: من کنت مولاه ...
- ۱۹۰ در آمدن زن جوّحی به محکمه‌ی قاضی سال دوم بر ...
- ۱۹۱ بر آمدن به شرح قصّه‌ی شاه‌زاده و ملازمت او در ...
- ۱۹۲ در بیان آن که -ورخ گوید کی قنطری صراط بر سر ...
- ۱۹۳ متوقّف شدن بدین آئین از شاه‌زادگان و آمدن برادر میانین ...
- ۱۹۷ وسوسه‌ای که پادشاه‌زاده را پیدا شد از سبب استغنائی ...
- ۱۹۹ خطاب حق تعالی به عزرائیل علیه السلام که تورا رَحِم ...
- ۱۹۹ کرامات شیخ شیبان راعی قدس الله روحه العزیز
- ۲۰۰ رجوع کردن به قصّه‌ی پروردن حق تعالی و مرود را ...
- ۲۰۱ رجوع کردن بدان قصّه که شاه زاده بدان شیخان ...
- ۲۰۲ وصیت کردن آن شخص که بعد از من او بر مال مرا
- ۲۰۳ مثل
- ۲۰۵ کشف الایات دفتر ششم

دیباچه‌ی مثنوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلد ششم از دفترها، مثنوی، بیان، معنوی که مصباح ظلام و هم و
شبهت و خیالات و شک و ریب باشد و این مصباح را به حس حیوانی
ادراک نتوان کردن زیرا مقام حیرانی اسفل سافلین است که ایشان را از
بهر عمارت صورت عالم اسفل آفریده‌اند و بر نوا و مدارک ایشان
دایره کشیده‌اند که از آن دایره تجاوز نکنند. لکن تقدیر العزیز العلیم،
یعنی مقدار رسیدن عمل ایشان و جولان نظر ایشان پدید کرد، چنان
که هر ستاره را مقداری است و کارگاهی از فلک که تا آن حد عمل
او برسد و همچون حاکم شهری که حکم او در آن شهر نافذ باشد،
پس در ورای توابع آن شهر او حاکم نباشد. عَصَمَنَا اللَّهُ مِنْ حَبْسِهِ وَ
خَتَمِهِ وَ مَا حَجَبَ بِهِ الْمَحْجُوبِينَ، آمین یا رب العالمین.